

تسخیر سفارت آمریکا در
۱۳ آبان ۱۳۵۸ و شهادت
محمدحسین فهمیده در سال
۱۳۵۹ نشان می‌دهند، عشق به
وطن و اراده برای ایستادگی در برابر
ظلم و بی‌عدالتی، در خون و جان
ایرانیان جای دارد



فریاد

الهام اخلاقی

محمد با اراده‌ای قوی گفت: «درست است. امروز باید صدایمان را به گوش جهان برسانیم.»

چند ساعت بعد، محمد و دوستانش همراه با صدها دانش‌آموز دیگر به سوی محل برگزاری راهپیمایی حرکت کردند. خیابان‌ها پر از جمعیت بود و صدای شعارهای ضد استکباری از هر گوشه به گوش می‌رسید. محمد با چشمانی پر از اشتیاق به صف اول جمعیت پیوست. همه با هم فریاد می‌زدند: «مرگ بر آمریکا! مرگ بر استکبار!»

در آن لحظات پر شور، محمد به یاد داستانی افتاد که همیشه الهام‌بخش او بود؛ داستان محمدحسین فهمیده. سال‌ها پیش، محمدحسین فهمیده، نوجوانی ۱۳ ساله، در جبهه‌های جنگ ایران و بعث عراق، با اقدامی شجاعانه، جان خود را فدای وطن کرد. او با بستن نارنجک به خود و

صبح یکی از روزهای سرد آبان‌ماه، تهران در حال آماده‌شدن برای روزی مهم بود؛ روزی که قرار بود دانش‌آموزان و دانشجویان به خیابان‌ها بیایند و صدای اعتراضشان را به گوش جهان برسانند. محمد، پسر ۱۵ ساله با چشمانی پر از شور و اشتیاق، از خواب بیدار شد. امروز ۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی بود و محمد احساس می‌کرد می‌تواند به عنوان یک نوجوان، سهم خود را در مبارزه با ظلم و استکبار جهانی ادا کند.

لباس‌هایش را با عجله پوشید و به سمت مدرسه رفت. دوستانش در حال بحث و گفت‌وگو بودند. یکی از آن‌ها گفت: «امروز باید به دنیا نشان دهیم که ما زیر بار ظلم نمی‌رویم. باید در راهپیمایی شرکت کنیم و به همه بگوییم ما ایرانی‌ها استقلال و آزادی‌مان را با هیچ چیزی عوض نمی‌کنیم.»



ساده‌ای باودان

فهمیده، ما همیشه مقاومت می‌کنیم! این دو واقعه، یعنی تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و شهادت محمدحسین فهمیده در سال ۱۳۵۹، نماد روحیه مقاومت و استکبارستیزی مردم ایران هستند. این دو واقعه نشان می‌دهند، عشق به وطن و اراده برای ایستادگی در برابر ظلم و بی‌عدالتی، در خون و جان ایرانیان جای دارد.

محمد با افتخار به خانه برگشت. او می‌دانست در راهپیمایی ۱۳ آبان، همراه با دوستانش، کاری بزرگ انجام داده است. او و دوستانش، با الهام از محمدحسین فهمیده، فریاد مقاومت را بلندتر از همیشه به گوش جهان رسانده و نشان داده بودند که ایران همیشه سرزمین شجاعت و ایثار خواهد بود.

این داستان، داستان عشق، ایثار و مقاومت است؛ داستانی که همیشه در قلب و ذهن مردم ایران باقی خواهد ماند و الهام‌بخش نسل‌های آینده خواهد بود؛ داستانی که نشان می‌دهد هیچ ظلمی نمی‌تواند اراده یک ملت را در هم بشکند و آنان همیشه در برابر استکبار ایستادگی خواهند کرد.

پربدن زیر تانک دشمن، دشمنان کشورش را متوقف کرد و با این فداکاری، نامش به عنوان قهرمانی جاودانه در تاریخ ایران ثبت شد.

محمد در دل خود گفت: «اگر محمدحسین توانست با فداکاری خود جلوی دشمن را بگیرد، من و دوستانم هم می‌توانیم با فریادهایمان پیام مقاومت و استکبارستیزی را به گوش جهان برسانیم.»

جمعیت به محل برگزاری راهپیمایی رسید. دانش‌آموزان با قدرت و اراده‌ای مثال‌زدنی، شعارهایشان را سر دادند. لحظه‌ای تاریخی بود؛ لحظه‌ای که نشان می‌داد مردم ایران هرگز تسلیم ظلم و استکبار نمی‌شوند.

محمد با صدای بلند فریاد زد: «ما همیشه در برابر ظلم خواهیم ایستاد. به یاد محمدحسین فهمیده و همه قهرمانانی که برای این سرزمین فداکاری کرده‌اند!»

در آن لحظه، صدای محمد در میان جمعیت گم نشد. همه با هم تکرار کردند: «به یاد محمدحسین

ما آمریکا را زیر پا می‌گذاریم
ما (ن)